

از دیاد فقر ناشی از سقوط بیشتر مدیریت امور کشور است

از نظر اقتصادی فقر مطلق به وضعیت درآمدی و هزینه ای فرد یا خانواده ای اطلاق می شود که نتواند روزانه حدود ۲۵۰۰ کالری مواد غذایی مناسب بخرد و مصرف نماید و برای سایر مایحتاج خود یک سوم هزینه غذایی را داشته باشد با توجه به ثابت بودن وضعیت درآمدی خانواده های کم درآمد هر چه قیمت کالاها افزایش یابد امکان تامین مواد غذایی خوب و کافی کمتر می شود و در نتیجه تعداد فرورفته در فقر مطلق افزایش می یابد. طبق گزارش منتشر شده از طرف بانک مرکزی در روزهای اخیر در حال حاضر ۱۴ میلیون نفر یا یک پنجم مردم کشور در فقر مطلق به سر می برند. بالا رفتن قیمت ها باعث می شود که تدریجاً ترکیب مواد غذایی مصرفی خانواده فقیر بیست و بیست تر شود یعنی کالایی مانند گوشت (مخصوصاً گوشت های مرغوب) تخم مرغ، لبنیات، میوه جات تازه و روغن های مفید از سبد خانوار حذف شود و یا انواع مانده و کهنه و نامرغوب و مواد نشاسته ای مانند نان، برنج و سبب زمینی و بعضی سبزیجات و روغن جامد جای آن را بگیرد که خود کاستی هایی از نظر وزن و رنگ و طول عمر و انواع بیماری های ناشی از سوء تغذیه در افراد به وجود می آورد که هزینه های درمانی را به شدت بالا می برد که دیدن میلیونها انسان نسخه به دست و سرگردان در بیمارستانها و داروخانه و مطب ها بهترین نشانگر آن است. فقر نسبی به طرز توزیع درآمد جامعه مرتبط است یعنی تمرکز ثروت و درآمد در دست بیست تا ۴۰ درصد جمعیت (در ایران مخصوصاً در دست ۳ تا ۵ درصد) باعث می شود که شصت درصد بقیه نسبت به این گروه فقیر باشند. به عبارت دیگر طرز توزیع درآمد در جامعه وضعیت فقر نسبی را نشان می دهد که خود معرف سلامت یا ضعف نظام اقتصادی اجتماعی و سیاسی است. اگر در ممالک اسکانندیناوی نسبت به درآمد بالاترین دهک به پایین ترین دهک یک به شش است و در ایران یک به ۱۷ (یا سه درصد اول به ۳ درصد آخر شاید یک به هزار) نشان می دهد که تفاوت وضعیت نظام ما در مقابل آنها در کجا قرار دارد چرا

سوئد در مقام اول و ایران در ردیف ۱۲۹، آمریکا در ردیف ۱۷ و مصر در ردیف ۱۱۵ قرار دارد.

از دیاد فقر مطلق در کشور در سالهای اخیر در شرایطی که درآمدهای ارزی سالانه حاصل از صادرات نفت و گاز ۴/۲۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۲ به ۸۳ میلیارد دلار در سال جاری می باشد و واردات از ۲۹/۵ میلیارد دلار به ۵۸ میلیارد دلار رسیده است.

(بگذریم از قاچاق) و با بودجه عمومی دولت در همین مدت از ۲۳۶ هزار میلیارد به ۹۳۹ هزار میلیارد ریال افزایش یافته و با کسری بودجه دولت از ۴۴/۲ هزار میلیارد ریال به ۲۵۰/۷ هزار میلیارد ریال رسیده است به چه علت میباشد؟ بررسی دقیق تر وضعیت متغیرهای اقتصادی و رابطه آنها با یکدیگر یک اصل را روشن می سازد و آن این است که کل نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بیمار و این بیماری مزمن می باشد و این از روزی شروع شد که عده ای ذینفع چیز دیگری را به جای علم تخصص و شایسته سالاری گذاشتند و حاصل آن در امور اقتصادی در سالهای اخیر به شرح زیر قابل رویت است:

- ۱- سقوط نرخ رشد اقتصادی از ۶/۸ درصد در سال ۱۳۸۲ به ۴/۵ درصد در سال جاری
- ۲- تورم ۱۸ تا ۲۳ درصدی در شش سال اخیر (تورم مصرف کننده)
- ۳- رشد نقدینگی ۲۶ درصد تا ۴۰ درصد (سال ۱۳۸۵) و ۲۷ درصد در سال جاری
- ۴- سرعت گردش پول نزولی از ۲/۱ رتبه در سال ۱۳۸۲ به ۱/۶ در سال جاری
- ۵- سقوط رشد سرمایه گذاری ثابت خصوصی از ۲۱/۶ درصد در سال ۱۳۸۲ به ۱۲/۰ درصد در سال جاری
- ۶- سقوط رشد کل سرمایه گذاری ثابت از ۲۱/۴ درصد در سال ۱۳۸۲ به ۱۱/۵ درصد در سال جاری
- ۷- ثابت ماندن نسبی شاخص بهره وری نیروی کار و

بهره وری سرمایه (رشد حدود یک درصد در سال) و منفی بودن رشد بهره وری کل عوامل تولید از رشد ۱/۹ درصد در سال ۱۳۸۲ تا ۰/۷ درصد جاری

این وضعیت نامتناسب در شرایطی است که جمعیت کشور با رشد ۱/۵ درصد در سال از ۶۷/۳ میلیون نفر در سال ۱۳۸۲ به ۷۳ میلیون نفر رسیده است و نرخ بیکاری با اطلاعات کارشناسی از ۱۶/۴ درصد در سال ۱۳۸۲ علیرغم تلف کردن دهها هزار میلیارد ریال در طرح های به اصطلاح زود بازده و سفرهای استانی هنوز در حد ۱۴/۵ درصد است هر چند دولت مزده می دهد که نرخ بیکاری در ۱۹ استان به زیر ده رسیده است (که البته نمی گوید که تمرکز بیکاری در ۵ استان از بقیه استانها است) شیوع بیکاری یعنی شیوع فقر و شیوع فقر یعنی شیوع جرم و جنایت و ناهنجاریهای اجتماعی و ازدیاد میلیونی پرونده ها در دستگاه ویرانه قضایی (بقول رئیس آن). بررسی دقیقتر ارقام نشان می دهد که در ایران خالص سرمایه گذاری (یعنی پس از حذف افزایش قیمت ها و استهلاک) منفی است. یعنی در ایران به هزار دلیل (فضای سیاسی، تحریم ها، نیامدن تکنولوژی، نبود اعتبارات مخصوصاً با نرخ بهره مناسب، مردم (بخش خصوصی) انگیزه حفظ سرمایه و سرمایه گذاری ندارند و بالاترین مقامات کشور نشان داده اند و می دهند که پولهای خود را در کجا نگهداری و سرمایه گذاری می کنند!

علت العلیل کل نابسامانی ها فقدان آزادی و دموکراسی در کشور است که ایران را با ادعای خواستن رسیدن به مقام اول در خاورمیانه و یا بودن در بین ده کشور اول در سطح جهانی در حال حاضر از نظر دموکراسی در ردیف ۱۳۹، آزادیهای مدنی دارای نمره ۱/۴۲ از ۱۰، نقش دولت ۳/۵۷ از ده، پروسه انتخاباتی ۰/۰۸ از ده می باشد و در زمینه اقتصادی در بین کشورهای شاخص سهولت کسب و کار مقام ایران از ردیف ۱۱۳ به ۱۳۵ و در حمایت از سرمایه گذاری از ردیف ۱۵۶ به ۱۵۸ در جهان سقوط کرده است.